سینما ۵۳
۵ آذر ۵۳ ۲

سومین جشنواره جهانی فیلم تهران



کارآموزی دادی کراویتس ساخته : تدکوچف



۱۹ گل سرخ

ساخته : ا . هـ . کارلسن



در پیشگاه علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران

افتتاح سومین جشنواره جهانی فیلم تهران - یکشنبه ۳ آذر - تالار رودکی

علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران «تونی‌کرتیس» و «گلدی هاون» را مورد تفقد قرار داده‌اند .

علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران ، نمایندگان هیئت شرکت‌کننده انگلستان را درجشنواره فیلم تهران مورد تفقد قرار داده‌اند



جناب آقای مهرداد پهلبد ، وزیر فرهنگ‌وهنر بیانات خودرا بمناسبت آغاز جشنواره سوم ایراد می‌نمایند



میهمانان جشنواره سوم...



ازراست به چپ همسر تونی‌کرتیس – «تونی‌کرتیس» و «پیترگریوز» «کرتیس» و «گریوز» همزمان به تهران رسیدند و درفرودگاه مدتی این دو آشنا با یکدیگر گفتگو کردند

پیترسلرز ، ریموند سنت ژاك ، گلدی هاون وگروهی‌دیگرنیزبا «کرتیس» و «گریوز» وارد تهران شدند .



ازراست به‌چپ : پیترگریوز (بازیگری‌که با مجموعه تلویزیونی «بالاتر ازخطر» درایران مشهور شده است) ، ران الی (تارزان تلویزیونی) ، جان فورسایت (بازیگـر قدیمی سینمای آمریکاکه هم‌اکنون از او درتلویزیون مجموعه «بیگانـه‌ای در رم» نمایش داده میشود) و «هانترتاد» (نماینده جشنواره جهانی فیلم تهران درایالات متحده امریکا)

دو خبر...

چرا آخرین فیلم اینگمار برگمان امسال درجشنواره تهران نمایش داده نمیشود؟

در بررسی پرونده‌های مکاتبات مربوط به سومین جشنواره تهران ، به رونوشت نامهٔ زیر برخوردیم که ازطرف مدیر مؤسسه «سونسك‌فیلم ایندوستری» برای پیترکاوی، نماینده جشنواره تهران درانگلستان و اسکاندیناوی ارسال شده است . چاپ این نامه ازنظر نمایش این حقیقت که گاه موفقیت جشنواره تهران تا چه حد در گروی خط مشی سینمائی تجارتی درایران قرار دارد بیفایده نیست :

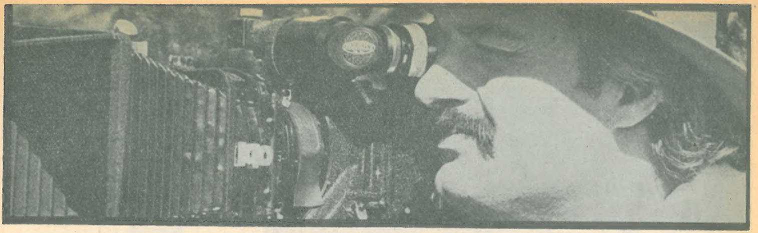
«پیترعزیز

«ازنامه مورخه ۲۳ سپتامبرشمامتشکرم–»
«پل‌کوهنر نیز قبلاً از طرف جشنواره تهران»
«تقاضای‌نمایش «صحنه‌هائی ازیك ازدواج»را»
«کرده بود ، اما اینگماربرگمان‌اجازه این‌کار»
«را نداد ، وموضوع به پل اطلاع داده شد.»
«من علت امتناع اینگماررا میدانم. سال»
«گذشته قبل از نمایش «فریادها ونجواها»در»
«جشنواره تهران قیمتی برای نمایش عمومی»
«این فیلم پیشنهاد شده بود ، اما پس‌ازشرکت»
«فیلم در جشنواره خریدار این قیمت را بطور»
«قابل توجهی تقلیل داد.»
«درعین اینکه ما بهترین روابط را با»
«جشنواره تهران داریم ، ناچاریم ازتکراراین»
«اشتباهات خودداری‌کنیم. خواهشمندم‌مراتب»
«تشکرمارا ازحسن نیت‌جشنواره تهران‌باطلاع»
«آنان برسانید .»
«با بهترین احترامات»
«کریس کوهن»

نمایش آخرین‌فیلم تونی‌کرتیس درتالار رودکی

درحضور و بامعرفی «تونی‌کرتیس» میهمان‌سومین‌جشنواره جهانی‌فیلم تهران، برنامه نمایش فیلم «لیکه» – چهارشنبه شب – ۶ آذر درتالار رودکی ساعت ۹٫۵ بعدازظهر اجرا خواهد شد .

فروش بلیط به بهای ۱۰۰ ریال – تالار رودکی ازصبح چهارشنبه



درباره‌ی : « تدکوچف »

کارگردان فیلم کارآموزی «دادی کراویتس»*

«تدکوچف» کارگردان فیلم «کارآموزی دادی‌کراویتس» درسال ۱۹۳۱ در شهر تورنتو از پدر و مادری بلغارستانی بدنیا آمد . او بعداز آنکه تحصیلاتش را در دانشگاه تورنتو در زبان و ادبیات انگلیس در سال ۱۹۵۲ بپایان رساند، مدت‌کوتاهی بیکار بود. اوگرچه خودش را در رؤیا بزودی یك شاعر موفق میدید اما درواقع با کار در یك کشتارگاه، در کمپانی تایرسازی گودیر و بعنوان آشپز ، پیشخدمت و ظرفشو در رستوران‌های کثیفی که پدرش در اطراف شهر تورنتو اداره میکرد، زندگی‌اش را بطور غیرشاعرانه میگذراند.

پدرش‌که میترسید از تحصیلات دانشگاهی پسرش استفاده درستی نشود، باو پیشنهادکرد تا درسازمان رادیووتلویزیون‌کانادا بعنوان‌نویسنده مشغول بکارشود. «کوچف» به‌نصیحت پدرگوش کرد ، ولی بجای آن‌که نویسنده شود بعنوان همکار صحنه بکار گرفته شد. در تلویزیون، یك کانادائی دیگر بنام « نورمن جیوسن » ، «کوچف» را به‌عنوان همکار قبول کرد. وقتی «جیوسن» به زمینه‌های دیگر رفت، «کوچف» باقی ماند وتحت‌ریاست ورهبری «سیدنی‌نیومن» قرار گرفت. این دو در تلویزیون در تألیف و تهیه بسیاری از فیلم‌های برجسته مستند با هم همکاری کردند. وبعد از یکسال، «کوچف» بیست‌وچهارساله جوان‌ترین کارگردان تلویزیون کانادا بود.

درسال ۱۹۵۷ بی‌قراری معمول فیلمسازان برجسته سینمای کانادا از قبیل «نورمن جیوسن، آرتور میلر ، سیدنی نیومن و هاروی هارت» بسراغ «کوچف» نیز آمد و باعث شد که او به‌لندن برود. زیرا احساس میکرد احتیاج دارد تاکارش‌را گسترش‌دهد و با بهترین استعدادهای موجود برقابت برخیزد.

در سال ۱۹۵۷ وقتی «کوچف» کانادا را ترك‌کرد، دوستانش دائماً باو میگفتند که باید

درسال۱۹۵۹ «کوچف» بهترین‌کارگردان تلویزیون انگلیس شناخته شد. در انگلستان او آشنائی‌اش را با «سیدنی‌نیومن» رئیس قبلی‌شبکه تلویزیونی «سی.بی.سی» تازه‌کرد وآنها درتهیه نمایشنامه‌هائی با یکدیگر به‌همکاری پرداختند.

درسال۱۹۷۲ «کوچف» باردیگر بزرگترین جایزه کارگردانی را بخاطر فیلم تلویزیونی «ادنا، زن الکلی» بدست آورد. «کوچف» بواسطه موقعیت فرهنگی انگلستان و از آنجا که از آن دسته کارگردانانی نبود که خودرا به یك زمینه محدود کند، کارش را به سینما و تئاتر گسترش داد. فیلم‌های طویل او عبارتند از **زندگی‌درطبقه‌بالا** باشرکت چین سیمونز ولارنس هاروی، **«تایرآناهیتی»**، با شرکت جیمزمیسون، **شراکت دوآقا**، با شرکت «جودی‌گیبسون» که فیلم انتخابی انگلستان در جشنواره ونیز بود، **اوت‌بك**با شرکت «دونالد پلیزنس»، که فیلم رسمی استرالیا در جشنواره سال ۱۹۷۲ کان بود، و **بیلی دوکلاهه**، با شرکت گریگوری پك ودسی آرنز» (این فیلم سال‌گذشته در برنامه مخصوص جشنواره جهانی فیلم تهران با حضور گریگوری پك به‌نمایش درآمد).

کارهای تلویزیونی «کوچف» درآمریکا عبارتند از «صدای انسان» با شرکت اینگرید برگمن و «موشها وآدم‌ها» با شرکت «جورج سگال».

«کوچف» بعداز پانزده‌سال دوری به‌کانادا بازگشت تافیلم **«کارآموزی دادی‌کراویتس»** را بسازد. او خود میگویدکه فیلم هم از نظرشخصی و هم از نظر حرفه‌ای بسیار اغناکننده است، چرا که‌او واقعاً بزرگ شدن «دادی»را مشاهده کرده است.

«موردکه ریچلر» این نویسنده «مونرئالی» را که در اروپا زندگی میکند، ملاقات‌کند، بالاخره «کوچف» و «ریچلر» درجنوب فرانسه کاملاً بطور اتفاقی یکدیگررا ملاقات‌کردند.

درسال ۱۹۵۹، زمانی که «ریچلر» مشغول نوشتن نوول خود بود، این‌دو تصمیم گرفتند باتفاق‌آپارتمانی درلندن اختیارکنند. «کوچف» همچنین روزی را که به«ریچلر» قول داده بود به کانادا برگشته و نوول او را بصورت فیلم درآورد، بخاطر دارد. وقتی این دو در لندن اقامت داشتند، درساختن‌فیلم‌های بسیاری ازجمله «زندگی در طبقه بالا» و «شراکت دو آقا» و نمایشنامه‌های تلویزیونی با یکدیگر همکاری کردند.

«کوچف»این‌فیلمسازکانادائی وبلغارستانی‌الاصل چندان هم نسبت به محله‌هائی نظیر «سن اربن» که بهترین‌دوست دیرینه‌اش آنرا درنوول خود تصنیف کرده است بیگانه نیست. چرا که «کوچف» در محله از نظر نژادی درهم ریخته «کاباج‌تادن»بزرگ شده‌است وتجارت‌دست‌اولی از زندگی درقسمت مهاجران دارد.

طرح‌های آینده «کوچف» عبارتند از : فیلمی براساس نوول «خاطرجمع» اثر«ریچلر» که برنده جایزه‌نوبل‌شد وفیلمی‌درباره‌کولی‌های طرد شده که فعلاً نام «مسافران» به آن داده شده است ، اما بیشتر «کوچف» دوست دارد فیلم‌های مستندگونه‌ای بسازد و در آن‌ها زندگی چندزبانه «کاباج‌تادن» بلغارستانی، ماسدوینانی، ایتالیائی، یهودی، مجارستانی شهر تورنتو را که زمانی میشناخت، بازآفرینی‌کند.

*** «کارآموزی‌دادی‌کراویتس» درفستیوال‌برلین ۱۹۷۴ برنده جایزه نخست این جشنواره (خرس زرین) گردید .**

جزبل

(۱۹۳۸)
کارگردان وتهیه‌کننده : **ویلیام وایلر**
فیلمنامه : **کلمنت ریپلی وجان هیوستن**
فیلمبردار : **ارنست هالر**
موسیقی : **ماکس اشتاینر**
بازیگران : **بت دیویس، هنری فوندا، جرج‌برنت**
زمان نمایش : **۱۰۳ دقیقه**



اولین کسی که «وایلر» درکمپانی وارنر با او برخوردکرد، «جان هیوستن» بود واولین کاری‌که او در مورد فیلم «جزبل»کرد این بود که «هیوستن» را برای تنظیم دوباره فیلمنامه‌ای که «ریپلی» و«فینگل» برای فیلم نوشته بودند، بکارگیرد . زمینه این داستان کوتاه ، اپیدمی تب زردی بود که در سال ۱۸۵۳ در نیوارلئان شیوع یافت . تب زرد دراین سال هشت هزارتن از اهالی را کشت، حومه شهر را از ساکنین خالی کرد و آنچنانکه نویسندگان ایالت جنوبی مینویسند (روحیه مردان و زنان را برای هشت سال بعد و ویرانی‌های بیشتر جنگ‌های انفصال سخت‌کرد) . فیلم «جزبل» هم بررسی یك‌مرحله تحول است: ایالت جنوبی از اوج یك دوران به دوران دیگر منتقل میشدند، وهم تحلیلی مبنی بر این عقیده که شخصیت بر سرنوشت پیروز میشود.

« جولی مارسدن » زنی زیبا، ثروتمند، بی‌ملاحظه و متکبر است. او با تمسخرگرفتن خودسرانه قراردادها، موقعیت‌ها را برای کسب خوشبختی پایمال‌میکند. این‌زن رفتاری غیرقابل پیش‌بینی‌وپیچیده‌دارد، خلق‌وخوی‌تند ومهربانی بیش‌از حدش، همیشه دوستدارانش را درحدس وشك وخانواده وخدمتکارانش‌را متعهد ومتوسل به او باقی میگذارد. اما اگر دورنمای ایالات جنوبی قبل از جنگ انفصال درسال ۱۹۳۸ چیز تازه‌ای بنظر نمیآمد ، چهره «جولی مارسدن» نمونه‌ای از نادرترین شخصیت‌های آثار سینمائی و طرحی کامل از یك شخصیت پیچیده بود. «پیترگالوی» بیست سال بعد ازساخته شدن فیلم نوشت :

«تقریباً هرمنطقی آسان‌تر ازمنطق این‌فیلم روی پرده دوام میآورد . حال این امر زائیدهٔ صحت تاریخی اثر، تفسیر موقع جدید اجتماعی، یـا فقط بهره‌برداری محض از شخصیت‌هـای دوست‌داشتنی اثر است، نمی‌دانم! شاید مدیومی که به‌حرکت تکیه دارد و باید به‌حرکتش ادامه دهد، بیشتر با یك دورنما متناسب باشد تا یك چهره درتحلیل دقیقی‌ازیك شخصیت. ممکن‌است رکود غیرقابل حلی یافته شود که به سکوت، نزدیکی و ریتم کندی تکیه داشته باشد. امـا فیلمی نظیر «جزبل» ثابت میکند، میتوان یك شخصیت را با همان گیرائی یك نوول و یا یك نمایشنامه خوب نمودارکرد».

فیلم «جزبل» برای «وایلر» سه ماه کار طاقت‌فرسا بود. او این‌بار «تولند» را درکنار دوربین نداشت اما اگرچه‌فیلمبرداری سیاه‌وسفید «ارنست هالر» در این فیلم فاقد ویژگی‌های «تولند»ی بود. اما بهرحال بی‌نقص بود. بالاتر ازهمه «وایلر» برای این‌فیلم ستاره‌ای دراختیار داشت که او را تحسین میکرد.

این ستاره «بت دیویس» بود.

«بت دیویس» در شرح خاطراتش چنین شرح میدهد:

«اولین‌بار که در فیلم ظاهر میشدم، لباس سواری بر تن داشتم، وقتی وارد خانه میشدم، میبایستی با دسته شلاق دامنم را بلندکنم، بنظر کار ساده‌ای بود. آقای وایلر از من خواست دامن مخصوص سواری و دسته شلاق را با خود به‌خانه ببرم، و با آن‌ها تمرین‌کنم. صبح روزبعد که وارد صحنه شدم میدانستم «وایلر» دنبال یك چیز استثنائی است. من قسمت افتتاحیه خود را دوازده بار تکرار کردم، ولی «وایلر» از کار راضی‌نبود. او چیزی میخواست کامل و بی‌نقص، میخواست با یك‌حالت یك‌معرفی‌کامل ازشخصیت بکند. اما با کار سخت من درطول چهل‌وپنج‌بار برداشت او بالاخره چیزی‌راکه میخواست بدست آورد یا حداقل با حالت بی‌تعهد خودش چنین موضوعی را اظهارکرد».

از طرفی «بت دیویس» در صحنه نزدیك به‌انتهای فیلم، موقعی‌که«جولی» و«آمی» برسر اینکه چه‌کسی با «پرستون» مصیبت‌زده به‌جزیره «لازارت» خواهد رفت ، دعوا میکنند ، جلوه میکند. در این صحنه «وایلر» با نزدیك‌کردن دوربین به‌تصویر درشت دست چپ «لیندسی» که روبان عروسی درمیان آن با حالت استعاره گونه‌ای میدرخشد، به‌حالت تملك‌آمیز این‌همسر نسبت به شوهرش اشاره میکند. این صحنه مهم در فیلمنامه بیشتر از یك پاراگراف را بخود اختصاص نداده بود.

«بت دیویس» می‌نویسد :

ویلی (وایلر) بدون استفاده از یك کلمه گفتگو، صحنه‌ای قوی وگیرا خلق میکرد، این هنر فیلمسازی در بالاترین سطحش بود. درصحنه رقص فیلم، «جولی» اصرار داشت که با همراه مناسب خود برقصد. من در نقش «جولی» قرار بود همراه خودرا در رقص ناشیانه خود شریك کنم. اما وقتی‌رقصنده‌های منقلب، صحنه رقص‌را به‌تصور اینکه ما دونفر افراد طرد شده‌ای هستیم ترك میکنند، امتناع مرد ازایستادن چنان‌دردآور میشود که «جولی» میخواهد بمیرد. اما اکنون « پرس » در تلافـی‌اش بسیار پا برجـاست ، دستپاچگی‌اش نسبت به خجالتی که میخواهد به‌جولی تحمیل‌شود، چندان مهم‌نیست. «جولی» به‌او التماس میکند تا او را به خانه‌اش ببرد. دراین لحظه دست‌های مرد دورکمر زن محکم‌تر میشود، گام‌هایش آرام‌تر و چشمانش هرگـز درچشم‌های زن نمیافتد، موزیك‌ریتمیك همچنان ادامه دارد، بدن‌های چرخان، نماهای واکنشی از منتقدین که تعجب کرده‌اند، و «بل» که از وجود «جولی» در رنج است».

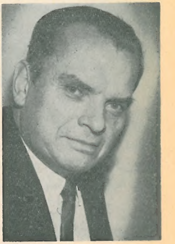
وقتی «بت دیویس» دومین جایزه اسکار خود را برای این فیلم گرفت، در میهمانی شام آکادمی گریست وگفت:

«خوشحالی این لحظه را تنها یك‌موضوع کم میکند. این‌که آکادمی جایزه کارگردانی را به «وایلر» نداده است».

«دیویس» درشرح حالش مینویسد:

آن‌فیلم همه‌اش«وایلر»بود. من‌درآن‌موقع وحشت بی‌کارگردانی ، و کارگردانی بد را میشناختم. و دیگر میدانستم که یك‌کارگردان برجسته کیست و برای یك ستاره زن چه میتواند باشد. من همیشه بخاطر سرسختی ونبوغ«وایلر» سپاسگزارش خواهم بود».

جشنواره‌های فیلم و ماموریت آنها



نوشتهٔ : آلفرد باوئر

مدیر جشنواره جهانی فیلم برلن

جشنواره‌های فیلم که با هدف کمك به‌هنر سینما به‌وجود میآیند، قبل‌ازهمه با وظیفه معرفی پیشرفت‌های جدید سینما ، اشکال جدید زبان سینمائی و ارائه کارهای مؤلفین، کارگردانان و هنرپیشگان جوان و با استعداد روبرو هستند.

در سالهای اخیر گذشته از جشنواره‌های بزرگ و رسمی مانندکان، برلن، مسکو وتهران، تعدادی جشنواره کوچکتر یا هفته‌هــای فیلم به‌منظور پشتیبانی از صنعت تضعیف شده‌ی سینما به‌وجود آمده است. با توجه به مبارزه کنونی فیلم با امکانات متعدد موجود برای وقت‌گذرانی که تماشاگران را از سینما دور نگه می‌دارد و با انقلابی که «ویدیوکاست» به وجود آورده است تولیدکنندگان‌فیلم نمیتوانند اهمیت‌جشنواره‌های فیلم را به‌عنوان یك وسیله تبلیغاتی مؤثر نادیده بگیرند. جشنواره‌های فیلم گذشته ازتثبیت ضوابط هنری و ایجادانگیزه برای ارائه کارهای بهتر، فرصت با ارزشی برای آشناشدن با افراد وشرایط اجتماعی کشورهای مختلف واطلاع از طرز فکر آنها ازطریق فیلمهایشان فراهم میآورند.

این عقیده برخی از منتقدین فــرهنگی کشورهای مختلف که جشنواره‌ها منسوخ گردیده و درنتیجه دیگر غیرضروری هستند، نشانه عدم اطلاع آنها ازاهمیت‌نقش‌اطلاعاتی‌جشنواره‌هاست. در حقیقت در دهسال گذشته کمتر اثر سینمائی با ارزشی به‌وجود آمده است که از طریق یك جشنواره به‌جهانیان‌شناسانده‌نشده‌باشد. هنرمندان با استعداد نسل‌های جدید از طریق جشنواره‌ها یکشبه شهرت بین‌المللی یافته‌اند. پیش از آنکه فیلم «راشومون» در جشنواره ۱۹۵۱ «موسترا» در«ونیز» مورد توجه قرار گیرد، ما از سینمای ژاپن وکارگردانان وهنرمندانش‌چه می‌دانستیم؟ یا ازسینمای سوئد وکارگردان‌بزرگش «اینگمار برگمن» ــ که امروزه فیلم‌هایش به تقریباً همه کشورها فروخته میشود ــ پیش از آنکه فیلم «توت فرنگی‌های وحشی» در ۱۹۵۸ با ربودن جایزه خرس زرین جشنواره برلن سروصدائی ایجاد کند. همان جایزه و بدنبال آن شهرت بین‌المللی نصیب «سیدنی‌لومت» بخاطر اولین کارش«دوازده مردخشمگین» و«کلودشابرول» برای «پسرعموها» گردید. در ۱۹۶۰ «ژان‌لوك گودار» با اولین فیلم بلندش از «نفس‌افتاده» پیروزی جهانی‌اش را از برلین آغازکرد وسبب شناسانده‌شدن موج نوی فرانسوی گردید. در ۱۹٦٥ و ۱۹٦٦ «رومان پولانسکی» با فیلم‌های «تنفر» و «بن‌بست» که درجشنواره برلن جایزه ربودند تحسین‌جهانیان را برانگیخت. درحقیقت جشنواره پیوسته محل عرضه استعدادهای جوان بوده است . «سوسوموهانی» کارگردان ژاپنی (زن‌ومرد، ۱۹٦٤)، «یان‌تروئل»سوئدی(«این زندگی‌شماست»، ۱۹٦٧) «رینرورنرفاس‌بیندر» آلمانی («عشق سردتر از مرگ است»، ۱۹٦۹) و«سهراب‌شهیدثالث»* ایرانی(«طبیعت‌بیجان»، ۱۹٧٤) ازکشف‌های جشنواره برلن هستند.

با اینحال جشنواره‌های سینمائی علاوه‌بر اهمیتی کــه از نظر فرهنگی یا بعنوان وسیله اجتماع سینماگران از تمام نقاط دنیا دارند، از نقطه‌نظر تجارتی نیز بی‌اندازه قابل‌توجه هستند. جشنواره‌های سینمائی اگر که در محلی مناسب ودرچهارچوب صحیحی برگزارگردند، میتوانند بصورت مراکزی‌برای‌توزیع جهانی‌فیلم درآیند. فیلمی که یك هیئت داوری بین‌المللی به آن جایزه میدهد ، بلافاصله برای توزیع‌کنندگان بصورت یك کالای‌تجارتی سودآور درمیآید. یك اثر هنری جاه‌طلبانه که فروشش درکشور مبدأ نمیتواند هزینه تولیدش را تأمین کند، با نشان داده شدن در یك جشنواره جهانی فیلم فرصت آن‌را مییابد که ارزش خود را به‌عنوان یك‌کار برجسته با ویژگی‌های خاص فرهنگ کشورش آشکار سازد و توسط کشورهای زیادی برای نمایش‌عمومی خریداری گردد. حرفه‌ای‌های‌سینما در این جشنواره‌ها فیلم‌هائی را میبینند کــه در غیر اینصورت فرصت دیدن آنهــا هیچگاه برایشان فراهم‌نمیگردید وگزارش‌های روزنامه‌نگارانی کــه از کشورهای زیادی در جشنواره حضور میبابند فیلم‌هائی را کــه در جشنواره جایزه نگرفته‌اند نیز دربرمیگیرد وسبب میگردد که فیلم‌های مزبور مورد توجه توزیع‌کنندگان قرارگیرد واحتمالاً برای نمایش عمومی خریده شود و با موفقیت تجارتی نیز روبرو گردد.

جشنواره‌های‌فیلم چنانچه به‌منافع توریستی وملاحظات دیگرکمترتوجه‌کنند وبیشتر به‌نمایش فیلم‌های با ارزش توجه داشته باشند، خواهند توانست کمك مؤثرتری به صنعت سینما ونیــز به کارگردانان و فیلمسازان بکنند. امکانــات موجود درجشنواره‌ها برای معرفی فیلمهای‌جدید و مذاکره و فروش آنها ، فرصت مغتنمی است‌که تولیدکنندگان فیلم هنوز نمیتوانند از آن چشم بپوشند. تأثیرجشنواره‌ها بخاطر شرکت ستارگان مشهور درآن بر توده مردم ــ کــه در نهایت موفقیت هنرمندان‌جوان به‌نظرمساعد آنها بستگی دارد ــ اغلب دست‌کم‌گرفته میشود. فکر مبدل ساختن جشنواره‌های فیلم به یك مجمع بررسی اختصاصی که فقط برای افراد حرفه‌ای میتواند جالب باشد، امروزه توسط اکثریت فیلمسازان جوان رد میشود . آنها دریافته‌اندکه هنر سینما بدون‌تأمین‌اقتصادی بعبارت‌دیگر بدون‌تماشاگر‌نخواهد توانست برای مدتی‌طولانی به‌حیات‌خود ادامه دهد. بویژه فیلمسازان پیشرو هرروز به‌این اصل معتقد میگردندکه جشنواره‌های فیلم باید بعنوان محملی برای عرضه استعدادهای جوان درنظر گرفته شود و ازاین نظر ضرورت دارد که فعالیتشان ادامه یابد.

جشنواره تهران که توانسته است در مدت زمانی‌کوتاه شناسائی بین‌المللی کسب‌کند، قدرت وکفایت مدیریتی لازم برای کمك به‌پیشرفت‌هنر سینما وتوسعه مبادلات بین‌المللی فیلم را دارد. ازصمیم قلب آرزومیکنم سومین جشنواره جهانی فیلم تهران بیش‌از پیش موفقیت‌آمیز باشد.

*** «سهراب شهید ثالث» جایزه بهترین‌کارگردان را درسال ۱۹۷۳ درجشنواره جهانی فیلم تهران بخاطر فیلم «یك اتفاق ساده» بدست‌آورده‌است وبه واقع‌کشف جشنواره تهران است .**



با:

لیلیا ناکاوانی

درباره‌ی:

نگهبان شب

— بعضی‌ها شما را متهم میکنند که فیلمی مبتذل، خشن با صحنه‌های زشت روابط جنسی فقط به‌منظور تکان‌دادن تماشاگر ساخته‌اید.

— من هیچکس را نمیخواهم تکان بدهم. انتظار نداشتم کـه فیلم من در ایتالیا گرفتار مشکلات سانسورشود. کسانی‌که بمن‌حمله میکنند، چه مردم، چه مطبوعات وچه «سانسور» آدمهائی هستندکه عقده‌های جنسی دارند وبهمین‌جهت از فیلم من بدشان میآید. بااینحال کسانی‌هم هستند که این فیلم را دوست میدارند. برعکس آنچه میگویند درفیلم من ابداً صحنه‌های مبتذل وخشن وجود ندارد. صحنه‌های فیلم، صحنه‌های زندگی است. فیلمهای خشن نوع دیگری هستند و مردم برای دیدنشان سر دست میشکنند. فیلم‌من فیلمی عاشقانه، ملایم ولطیف است. اروتیسمی‌که درفیلم وجود دارد ابداً به‌خشونت مربوط نمیشود. فیلم مرا در ایتالیا بدلایل سیاسی سانسور کرده‌اند.

— با دیدن فیلم شما این تصور پیش‌میآید که هنوز نازی‌هـا همه‌جا هستند و در وجود هرکس یك سادو‌ـ مازوخیست پنهان است.

— فکر میکنم همهٔ ما کم‌وبیش ممکن‌است روزی رفتاری سادو‌ـ مازوخیست داشته باشیم. مردم امروز در آرامش بسر میبرند زیرا تصور میکنند نازیسم به‌پایان رسیده است. ولـی من میگویم که نازیسم میتواند دوباره شروع شود و نازیهای زیادی در میان ما وجود دارند که نمیشناسیمشان. حتی نازیهائی هستندکه هم‌اکنون در اوج قدرتند. نباید از حقیقت وحشت داشت. همه‌ی ما در وجودمان مقداری خشونت داریم‌که ممکن‌است بصورتهای گوناگون بروزکند.

— پس از نظر خودتان یك فیلم اخلاقی ساخته‌اید؟

— از فیلمهای اخلاقی خوشم نمیآید. کلمهٔ «اخلاق» کلمه‌ای خطرناك و تقلبی است. من میخواهم فیلمهائی بسازم‌که بیننده را به‌تفکر واداشته و او را تحت تأثیر قرار دهد.

— درباره‌سینمای‌سیاسی‌وسینمای‌غیرسیاسی چه نظری دارید؟

— در سینمای سیاسی هـم مثل سینمای «وسترن» آدمهای خوب و آدمهای بد وجود دارند. اما پرسوناژهای فیلمهای‌من نه‌سیاه هستند ونه سفید. سعی میکنم در فیلمهایم بی‌طرفی کامل را حفظ کنم. درحالیکه بعضی‌ها مرا به «چپ» نسبت میدهند. خانواده من تمایلات چپی داشته است ولی من هیچگونه ادعائی در سیاست ندارم. آنچه درسینما ازآن‌نفرت‌دارم ابتذال وبی‌ارزشی است. مثلاً ازکمدیهای‌ایتالیائی‌حالم بهم‌میخورد. مسئله اینست که تلویزیون سطح توقع مردم را پائین آورده و دیگر رغبتی بدیدن چیزهـای جالب ومؤثرتر ندارند.

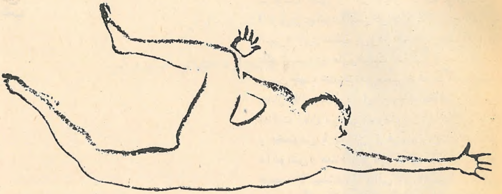
— بعضی‌ها عقیده دارند که فیلم شما ضد زن است. در صحنه‌هائی از فیلم زن را بشدت تحقیر کرده‌اید. دراین‌باره چه‌نظری دارید؟

— من با این‌گونه دسته‌بندیها موافق‌نیستم. از نظر من فیلم ضد زن یا ضد مرد وجود ندارد. فیلم من درواقع درباره زن است. فیلمی است‌که درآن زن را در مقابل قراردادهای اجتماعی، مذهب و تعلیم‌وتربیت نشان میدهد.

— «لیلیا ناکاوانی» در ادامه حرفهایش درباره «نگهبان‌شب» میگوید:

— درسال ۱۹۶۲ وقتی در تلویزیون کار میکردم یك فیلم چهار ساعتی با مونتاژ فیلمهای قدیمی درباره نازیسم ساختم که در ایتالیا بنام «تاریخ رایش‌سوم» نمایش داده شد. من دکتر در ادبیات قدیمی هستم و درباره تاریخ معاصر چیزی نمیدانم. برای ساختن این فیلم حدود صد فیلم خبری را که توسط ارتش آلمان ساخته شده بود، تماشا کردم. هم‌چنین تمام مدارك مربوط به تظاهرات و میتینگهای زمان هیتلر را مورد بررسی قرار دادم. وقتی انسان میخواهد تزی درباره بقدرت رسیدن و سقوط هیتلر ارائه دهد نمیتواند فقط بداستان‌گوئی‌وشرح‌وقایع بپردازد. بهمین جهت میخواستم به تماشاگران نشان بدهم دربعضی ازمراحل تاریخ چطور یك فرد میتواند سرنوشت ملتی را دراختیار گرفته ودیکتاتور قانونی‌مردم شود. ضمن‌خواندن خاطرات «آلبرت اسپیر» باین مطلب پی‌بردم که در وجود همه ما یك نیـروی مازوخیست پنهانی وجود دارد. بهمین جهت خشونت در ضمیر ناخودآگاه ماست. بعدازمطالعه درباره رایش‌سوم به مطالعه وبررسی فعالیت زنان نیروی مقاومت در ایتالیا پرداختم و بخصوص با دو تن از قربـانیان «داشو» و «آشویتس» مصاحبه‌کردم. یکی از آنها که از هیجده تا بیست‌ویك سالی در «داشو» زندانی بوده بمن‌گفت که بعداز جنگ هرسال تعطیلاتش را در «داشو» میگذراند درحالیکه دلیل این کار را نمیدانست. دیگری که در «آشویتس» زندانی بود گفت که بعداز جنگ دیگر نتوانسته نزد شوهر وبچه‌هایش برگردد وزندگی‌درتنهائی را ترجیح داده است. این زن خشونت، وحشت و نفرت را حس‌کرده بود و نمی‌توانست دلیل قانع‌کننده‌ای برای تضاد روح بشر پیدا کند. او بمن‌گفت: «فکرنکنید قربانیان همیشه‌بیگناهند». برخورد با این دو زن واثری‌که حرفهای آنان روی من باقی‌گذارد، درواقع نطفه‌اصلی پیدایش «نگهبان‌شب» بود. از طرفی میخواستم ظرفیت طبیعت‌انسان‌را درمورد پذیرش‌اعتقادات‌وتعصبات بررسی‌کنم. دردنیای ماگناه قبل ازتقوی‌بوجود میآید. بهمین دلیل‌کتاب «ساد» برای من یك اثر بنیادی است بنظرمن بایدکتاب «ساد» را در مدارس بعنوان یك‌کتاب درسی تدریس‌کرد.

برای ایفای نقش زن فیلم «نگهبان‌شب» ابتدا به«میافارو» فکرکرده‌بودم. ولی «شارلوت رامپلینگ» و «درك بوگارد» سناریو را خوانده و موافقت خودر ا اعلام داشتند. «درك‌بوگارد» را بخاطر خصوصیات چهره‌اش و اضطرابی که درآن نهفته است انتخاب‌کردم. «رامپلینگ»هم تا حدودی همین خصوصیات را دارد و با «درك بوگارد» زوج مناسبی را تشکیل میداد، از نظر مادی برای‌تهیه این‌فیلم بامشکلات زیادی روبرو شدم تا اینکه «رابرت‌گوردون ادواردز» شجاعت تهیه آنرا بروز داد. او یك آمریکائی است که بیست سال است درایتالیا زندگی میکند وتابحال فیلمهای «نفرین‌شدگان» و «مرگ درونیز» را تهیه‌کرده‌است. من‌شخصاً درنگارش وکارگردانی این فیلم هیچ مشکلی نداشتم. میدانید وقتی من میخواهم کاری را انجام دهم میدهم و از هیچ چیـز وحشت ندارم. سینما برای من یك نوع روانکاوی شخصی‌است. بهمین دلیل هرگز فیلمی را که دوست ندارم، نمینویسم».



نیم قرن سینما در هنگ کنگ

سنت فیلمسازی چینی نخستین‌بار در شانگهای در دهه ۱۹۲۰ آزموده شد . سالهای اصلی فیلمسازی این دوره (۶–۱۹۲۱) بالغ بر صد استودیوی فعال سازنده فیلم به‌خود دید .

نخستین بازیگر مهم و با نام ونشان چینی که ظهورش تا دهه سی (زمان فیلمهای ناطق) به طول انجامید **هویته** بود (میس باترفلای — دوشیزه پروانه!) وی به سال ۱۹۳۱ در فیلمی به اسم **«شقایق آوازخوان»** برای اولین‌بار بر پرده‌سینما ظاهر شد . **هویته** بازیگری‌باکاراکتر مشخص ونشاندار ، کنترل عاطفی ، جاذبه و زیبائی سرشار و مثال زدنی بود . جنگ ، وی‌را درانزوائی ناگزیر نشاند ، اما زمانیکه جنگ به‌سر رسید ، او هم از لاك انزوایش سر بیرون کرد و با فیلمی از محصولات کمپانی «شابرادرز» به نام **«در عقبی»** باردیگر بر پرده‌ها ظاهر شد وسیادت‌گذشته خودرا بر بازیگران چینی تجدید کرد ، چه وی بخاطر قدرت بازیش در همین فیلم ، جایزه بزرگ فستیوال فیلم آسیائی را که به‌سال ۱۹۶۰ درتوکیو برگزار شد ، از آن‌خود ساخت .

مثل بسیاری دیگر از سکنه «شانگهای» ، **هویته** هم زمانیکه انقلاب چین‌شانگهای‌را بلعید ناگزیر شد به هنك‌کنگ بکوچد . مرد محبوب او در فیلم شقایق آوازخوان **«وانگ یوان — لونگ»** هم توانست سرانجام در خود یك آکتور برجسته بسازد . همچنین هونگ‌شن ، مردی با زمینه فرهنگی غنی که مطالعاتش را دردانشگاه پکن و آمریکا گذرانده بود ، بزودی بدل به کارگردانی چیره‌دست و با ذوق شد . او هم در گرماگرم انقلاب چین به‌هنگ کنگ کوچ کرد ، وبه سال ۱۹۶۰ در آنجا دیده از دنیا بست .

هنگ‌کنگ هم در خلال دهه سی ، یك مرکز عمده تولید فیلم شده بود . فیلمهای ضد ژاپنی تازمانیکه ژاپنی‌ها به این مستعمره‌انگلیسی حمله‌ور شدند و آنرا اشغال کردند (از دسامبر ۱۹٤۱ تا سپتامبر۱۹٤۵) به وفوردراستودیوهای هنگ‌کنگ ساخته میشدند .

پس از تخلیه ژاپنی‌ها و بهبود تدریجی اوضاع ، در سال ۱۹٤۹ ، رونـد فیلمسازی درهنگ‌کنگ‌دستخوش ترقی‌وافزایش‌برق‌آسائی شد . به ذهن سینمادارهای هنگ‌کنگ این‌کاری بسیار سودآور رسیده بود که گروه به‌گروه دست به دست هم بدهند و سرمایه‌هایشان را در راه تهیه فیلمهای کم‌هزینه ناطق به زبان **کانتونی** به کار گیرند . آنها این فیلمها را در سینماهای کوچك خودشان نمایش میدادند و سودهای هنگفتی درو میکردند .

نخستین فیلم رنگی‌چینی، **عروس رویائی**، در شانگهای فیلمبرداری شد ودرست زمانی‌کار تهیه‌اش به پایان رسید که نیروهای انقلابـی به سوی شانگهای درحرکت بودند و همه عناصر مقاوم سر راه را با خشونت محو میکردند . در این زمان اکثر کارکنان استودیو و بازیگران یا به هنگ‌کنگ گریخته بودند ، یا به تایوان (فرمز) .

تولید فیلم درهنگ‌کنگ‌ازآغازبرپایه‌های درستی بنا نشده بود ، فیلمها به تعداد زیاد ، به سرعت و با هزینه‌هائی اندك ساخته میشدند ، و بدیهی است‌که ازنظر کیفی فاقد امتیازاتی چشمگیر بودند . اما بـرادران چینی **«شا»** (ران ، ران — رامن) که از شم تجاری دقیق وداهیانه‌ئی برخوردار بودند ، تصمیم گرفتند استانداردهای فیلمسازی خودرا بالا ببرند تـا بتوانند بازارطبقه میانه‌حال‌راکه رجحان‌آشکاری برای تماشای فیلمهای تروتمیزتر آمریکائی‌قائل میشدند ، تسخیر کنند .

نخستین فیلم «بزرگ» و پرخرجی کـه آنان در تعقیب این نیت ساختند **«دروازه‌های جنهم»** یك موفقیت بی‌چون‌وچرای تجاری‌بود. از طریق ساختن فیلمهائی ازاین دست بود که استودیوهای آنها ، ونیز استودیوهای رقیبشان **«کاتای»** در خلال دهه پنجاه به صورت‌مهمترین مراکز فیلمسازی هنگ‌کنگ درآمدند .

ستارگان این استودیوها کسانی مثل **لین دای** بودند ،که یکی ازفیلمهای او ، **امپراطوری وزن زیبا**، جایزه بزرگ‌فستیوال«کوالالامپور» مالزی را به سال ۱۹۵۹ گرفت ، و نیزآکتریس برجسته‌ئی مثل **«لی لی وا»** کـه معروفترین فیلمش ، **سفرطولانی به خانه (۱۹۵۹)**، داستانی درباره ماهیگیران چینی بود .

در فاصله سالهای بین ۱۹۶۳ — ۱۹۵۷ رقم تولید فیلم در هنگ‌کنگ به بیشترین حد خود رسید . برای نمونه این تعداد در سال ۱۹۶۱ ۳۰۲ فیلم است ، سی‌درصد ، زبان **کانتونی** و هفتاد درصد به **چینی ماندارین** که‌زبان‌رایجتری است . در سالهای اخیر تهیه فیلمهای«کانتونی» به تدریج رو به کاهش گذاشته است و این فیلمها جای خودرا به فیلمهائی که به لهجه «ماندارین» ساخته میشوند ، سپرده‌اند ، بهمین لحاظ صدور فیلمهای «کانتونی» هم به سرعت کاستی گرفته است .

تمامی محصولات مهم هنگ‌کنگی ، رنگی و پرده عـریض هستند . بیشتر فیلمهای خشونت آمیز هنگ‌کنگی زمینه تاریخی دارند. تعداد کمدیها و درامهای‌امروزی در سینمای هنگ‌کنگ‌کم نیست، امروزه سینمای‌هنگ‌کنگ عملاً ازانحصار فیلم‌های پرزدوخورد وحادثه‌ای خارج شده است .

گرچه صنعت سینمای این کشور مواجه با تغییراتی بوده است (هزینه تهیه هر فیلم عمده‌ئی بالغ بر صد هزار دلار امریکائـی رسیده است) . این سینما به داوری ارقام در سالهای اخیر یکی از عظیمترین صنایع سینما در دنیا بوده است . تنها در سال ۱۹۶۹ بودکه نرخ تولید فیلم دستخوش کاهشی غیر منتظره شد و به ۵۵ فیلم در سال رسید ، که این البته

تعداد فیلمهای ساخته شده‌درخود‌هنگ‌کنگ‌بود.

* * *

سخن از سینمای هنگ‌کنگ را بی اشاره به وجهه عالمگیر فیلمهای «**کانگ فو**» (که درایران به عنوان فیلمهای کاراته‌ئی شهرت یافته‌اند) نمیتوان به پایان برد . قدمت تهیه این فیلمها در هنگ‌کنگ به سالها پیش برمیگردد، اماشهرت جهانی آنها ازدو سال پیش بادرخشش غیر منتظره فیلمی به اسم King Boxer (در ایران : پنجه‌های مرگبار) آغاز شد . این فیلم و فیلمهای مشابهی که در پی آن عرضه شدند، «تب روز» سینما را در اروپا و آمریکا و آسیا ساختند و استقبال توده از آنها چنان بود که خیلی زود رقبای اروپائی و آمریکائی را به فکرتقلید و بدل‌سازی انداخت . بهترین‌دستاورد این تقلید ، فیلم بسیار سرگرم‌کننده «اژدها واردمیشود»بودکه آمریکائی‌ها آنرا باسودبردن از جمیع عناصر مشخص فیلمهای هنگ‌کنگی با تکنیکی شسته‌رفته‌تر روانه بازارها کردند ، واین فیلم‌هم تمامی‌انتظارهای‌فروش‌را حتی‌پیش از آنکه تصور میشد ، برآورد .

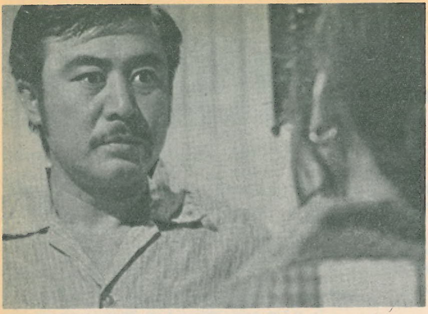
فیلمهای هنگ‌کنگی توفیق جهانی خودرا بی‌تردید مدیون کوششهای خستگی‌ناپذیر ، دو برادر هستند : ران ــ ران‌شا ورامن شا (صاحبان کمپانی معظم برادران شا ، که عظمت متروگلدوین مایر را در عصر طلائیش به‌یاد میآورد) .

ایندو صاحب غول‌آساترین سازمان فیلمسازی آسیا هستند ، دارائی آنان شامل بالغ بر سیصد سالن سینما در سراسر دنیا و قریب پانزده استودیوی تولید فیلم است .

رقم فیلمهای ساخته شده در مجتمع‌سینمائی این دو برادر میلیاردر ، تنها در سال گذشته به قریب صد فیلم رسید . ران ــ ران (برادر کوچکتر که ٦٥ ساله است) ناظر بر تهیه فیلمهاست و رامن‌شا (برادر بزرگتر ٧٢ ساله) صدور جهانی این فیلمها را تحت نظر دارد .

البته برادران شا ، تنها فعالین تهیه فیلم درهنگ‌کنگ نیستند، استودیوها وتهیه‌کنندگان دیگری هم در میدان هستند ، معروفتر ازهمه ریموند چو ، صاحب کمپانی «گلدن هاروست» که «بروس لی» افسانه‌ئی را با فیلم «رئیس بزرگ» به دنیا شناساند .

سینمای هنگ‌کنگ ، حیاتی نیم‌قرنی دارد ، اما دستاوردهای غول‌آسای سه‌ساله اخیر این سینما ، به لطف فیلمهای کانگ‌فو ، عظمتی بسیار بیش از تمامی نیم قرن فعالیت گذشته سینمای هنگ‌کنگ نشان میدهد . در سینمای امروز هنگ‌کنگ به راستی که همه چیز غول‌آساست ، غول‌آساتر از هرچیز رقم‌ها و رکوردها . . . آیا غولی در سینمای دنیا زاده شده است ؟



صحنه‌ای ازفیلم «عشق من ، گناه من»





. . . تعداد کمدیها و درامهای امروزی هم درسینمای هنگ‌کنگ کم نیست ، سینمای هنگ‌کنگ‌امروزه عملاً ازانحصارفیلم‌های پرزدوخورد وحادثه‌ای‌خارج شده‌است ...

فیلمهائیکه امروز می بینیم

ایتالیا :

نگهبان شب

(فیلم بلند — مسابقه)

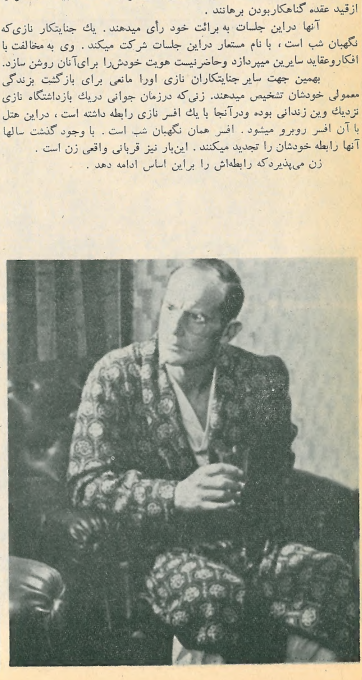
کارگردان : **لیلیانا کاوانی**
تهیه‌کننده : **رابرت‌گوردون ادواردز**
فیلمنامه : **لیلیانا کاوانی**
فیلمبردار : **آلفیو کونتینی**
بازیگران : **دیرك بوگارد ، شارلوت رمپلینگ، گابریله فرزتی، فیلیپ لروی، آمه‌دئو آمودیو، لزامیراپندا، نورا ریچی**
۳۵ میلیمتری — رنگی — ۱۱۰ دقیقه

درآخرین سالهای دهه ۱۹۵۰ چند جنایتکار قدیمی نازی در وین دریك هتل اجتماع میکنند تا ضمن تشکیل جلساتی‌که بیشتر به محاکمه شبیه است خودرا ازقید عقده گناهکاربودن برهانند .

آنها دراین جلسات به برائت خود رأی میدهند . یك جنایتکار نازی‌که نگهبان شب است ، با نام مستعار دراین جلسات شرکت میکند . وی به مخالفت با افکاروعقاید سایرین میپردازد وحاضرنیست هویت خودش‌را برای‌آنان روشن سازد.

بهمین جهت سایر جنایتکاران نازی اورا مانعی برای بازگشت بزندگی معمولی خودشان تشخیص میدهند. زنی‌که درزمان جوانی دریك بازداشتگاه نازی نزدیك وین زندانی بوده ودرآنجا با یك افسر نازی رابطه داشته است ، دراین هتل با آن افسر روبرو میشود . افسر همان نگهبان شب است . با وجود گذشت سالها آنها رابطه خودشان را تجدید میکنند . این‌بار نیز قربانی واقعی زن است .

زن می‌پذیردکه رابطه‌اش را براین اساس ادامه دهد .



کانادا :

کارآموزی دادی کراویتس

(فیلم بلند — جشنواره جشنواره‌ها)

کارگردان : **تدکوچف**
تهیه‌کننده : **جان کیمنی**
فیلمنامه : **موردکه ریچلر**
موزیك : **استانلی مایرز**
فیلمبردار : **برایان وست**
بازیگران : **ریچارد دریفوس ، میشلن لانستو ، جك واردن ، رائدی کوئید ، جوزف وایزمن**
۳۵ میلیمتری — رنگی — ۱۲۰ دقیقه

« دادی کراویتس » از همان لحظه‌ای که دبیرستان « فلیچرز فیلد » را در محله کلیمی‌ها و در خیابان «سنت اربن» مونرال (سال ۱۹۴۸) ترك میکند، تحت تأثیر آرزوی آرام‌ناپذیرش میخواهد آدم مهمی بشود برای «دادی» نشانهٔ واقعی یك تشخص مهم، داشتن زمین است. زیرا همانطور که پدر بزرگ مهربانش غالب اوقات باو گفته است: «مرد بدون زمین یعنی هیچکس».

وقتی «دادی» در تابستان کاری بعنوان پیش‌خدمت در تفرج‌گاه «کاستل دومرن» بدست میآورد، یکی‌از زنان خدمتکار درآنجا بنام «ایوت» زمین معهودش را برایش آشکار میکند. «دادی» با دیــدن این زمین کوچك و دست نخورده و دریاچه اطرافش فکر ساختن شهر «کراویتس ویل» با تفرج‌گاه کامل، مدرسه، خانه و یك مزرعه برای پدربزرگش، بذهنش خطورمیکند. اما از آنجا که زارعین کانادائی فرانسوی‌زبان‌که صاحبان زمین‌هستند هرگزآنرا به‌یك یهودی نمیفروشند، «دادی» از «ایوت» بعنوان دستاویزی استفاده میکند تا آن زمین را تصاحب کند. وبدین‌ترتیب کم‌کم املاك اطراف دریاچه را که بتدریج قابل حصول میشوند صاحب میشود وبطور خستگی‌ناپذیری برای بدست‌آوردن قیمت مقررشده زمین‌ها وپرداخت اقساط درسرموعد مقرر تلاش میکند. وبالاخره «دادی» مصمم، موفق میشود شرکت «دادلی‌کین» را بنام خود تشکیل دهد، و به تهیه فیلم‌های مستند آوانگارد از «بارمیتسوا» مشغول میشود و یك کارگردان الکلی را بنام «جان فریار» بکار میگیرد .

«دادی» با خدعه و نیرنگ ماشین‌های قمار متعلق به‌یك جوان ساده دل و صرعی را از چنگش بیرون میآورد و او را که «ویرجیل» نام دارد با مزدی ناچیز بعنوان متصدی نمایش فیلم و راننــده درقسمت تازه تأسیس نمایش فیلم در تفرج‌گاه استخدام میکند. «دادی» چنان بیرحمانه از وجود این پسر بی‌گناه کارمیکشد که بالاخره «ویرجیل» طی یك‌تصادف ماشین برای همیشه چلاق میشود. «ایوت» معشوقه کنونی «دادی» از بی‌رحمی «دادی» آگاه است، ولی ازآنجا که «دادی» چند چهره، یك روی بخشنده مهربان هم دارد پیش‌او باقی میماند.

«دادی» از طریق اجرای توطئه وکار سخت تقریباً تمام زمین معهود را بدست میآورد. ولی وقتی برای خریدن آخرین قطعه آن قادر به‌فراهم‌کردن پول لازم نیست، مأیوس میشود. اما به حساب بانکی «ویرجیل» علیل چکی جعلی مینویسد وبالاخره زمین موعود را بطورکامل تصاحب میکند. و سپس با غرور فراوان خانواده‌اش را به دیدن زمین دعوت میکند. اما موفقیت موقتی «دادی» به‌وضع بدی منتهی میشود. زیرا پدر بزرگش که از ماجرای جعل چك مطلع شده است از قبول مزرعه‌ای که «دادی» برایش کنار گذاشته، سر بازمیزند، از طرفی باآنکه «دادی» قول میدهد هرچه زودتر پول «ویرجیل»را بپردازد، «ویرجیل» و «ایوت» از دیدار دوباره‌اش خودداری میکنند.

ولی موفقیت «دادی» هنوز کامــلاً از میان نرفته است. روز بعد او درمغازه «مو» درحضور پدر و دوستانش از مغازه‌دار تقاضای وام میکند. وقتی «مو» لبخندزنان اسکناس‌ها را تامیکند، «دادی» روی صندلی یك پایه‌اش میچرخد و باخود میگوید : «میبینی دادی، میبینی که همه‌چیز درست شد».

از یك نظر «دادی» واقعاً شخص مهمی شده است. او دوران کارآموزیش را بپایان رسانده است.

هلند :

کمك ، دکتر دارد غرق میشود

(فیلم بلند – جشنواره جشنواره‌ها)

کارگردان : **نیکلای واندرهاید**
تهیه‌کنندگان : **یان دورستین ، منك‌باس**
فیلمنامه : **فلیکس تیبس**
فیلمبردار : **یورگن پرسن**
موزیك : **روژیه وناترلو**
بازیگران : **ژول کودازه ، مارتین بیل ، پیت‌بامبرگن، واردوراوه ، لین‌یونگه‌وارد**
۳۵ میلیمتری ـ رنگی ـ ۹۴ دقیقه

دکتر «آنجلینو» ی قوی‌هیکل‌که درمیان یکعده افراد سرزنده وغالباً مریض‌های طرف‌توجهش قرارگرفته بی‌شك دردهکده محبوبش ، مقام مهمی‌داراست، اما وی قلبش را به معلمه جدید ، «ایرنه هولر» که اورا درمطبش ملاقات میکند ، می‌بازد . زیبائی این زن چنانست‌که باعث می‌شود جوراب‌های دکتر رنگ عوض می‌کنند . دکتر عاشق شده است . عاقبت دکتر این عشق را به دوست وهمسایه‌اش ، کشیش بخش اعتراف میکند . کشیش‌که میخواهد دکتررا با دستورالعملی بی‌نقص برای حصول خوشبختی تجهیزکند ، ازانجیل‌کمك میخواهد . اما افسوس‌که‌کلام خدا معما را حل نمیکند واین خود «آنجلینو» است‌که شخصاً باید به اوضاع رسیدگی‌کند . این موقعیت اورا درشرایط دشواری مشابه آنچه «یرام ون‌تینن» معمار با آن روبروست قرار میدهد . «ون‌تینن» هم مسحور دخترکولی و رك‌گوئی بنام «کاتایا» شده است . «ون‌تینن» ازآنجاکه نتوانسته است ، احساساتش را بوسیله لغات به «کاتایا» بیان‌کند ، برایش منزل‌کاملی بناکرده است . اما درانتهای فیلم معمار به پاداشش میرسد ودکتر هم آنچه میخواسته بدست میآورد .

این امر باعث خوشحالی همگان میشود ، راهبه‌ها ، زنان خانه‌دار ، کولی‌ها ، پلیس وخلاصه تمامی اشخاص دنیای سرزنده وافراد شاعرپیشه واحمق‌که بدون وجود دکتر نمی‌توانند بکاری دست بزنند .



هنگ‌کنگ :

عشق من ، گناه من

(فیلم بلند – سینما درآسیا)

کارگردان : **گانگ‌وی**
تهیه‌کننده : **گانگ‌وی**
فیلمبردار : **آلبرت یانگ**
موزیك : **جوزف‌کو**
بازیگران: **جنی‌وو ، کوان شان ، پاتریك تسه یون ، ونشو ، هونگ‌لینگ‌لینگ .**
۳۵ میلیمتری ـ رنگی ـ ۹۰ دقیقه

«پی جی» زن جوان وزیبائی است‌که چهارسال است زندگی آرامی با «تاك مینگ» دارد . آندو یك پسر چهارساله بنام «سیومینگ» دارند . تراژدی بطور ناگهانی با یك تصادف آغاز میشودکه باعث میشود «تاك مینگ» فلج وازنظر جنسی ناتوان شود . آگاهی ازناتوانی برای «تاك مینگ» جز احساس سرخوردگی ووحشت شبانه چیزی بهمراه نمیآورد وباعث میشود «پی جی» درآرزوی عشق یك مرد ساعات سختی را بگذراند . ملاقات اتفاقی «پی جی» با دکتر «وانگ‌چین» که شوهرش را ازمرگ نجات داده ، به رابطه عشقی‌کوتاهی بین این‌دو ختم میشود . اما وقتی «پی جی» یك شب بعدازمعاشقه با دکتربمنزل بازمیگردد و بامنظره رقت‌انگیز شوهر مفلوجش مواجه میشود ، این رابطه تمام میشود .

«پی جی» سعی میکند رابطه‌اش را با دکتر قطع‌کند ولی دکترآنقدر عاشق او شده‌که نمی‌تواند باین‌کار راضی شود . دکتر با نامه‌هایش عشق خودرا نثار «پی جی» میکند . کم‌کم دکتر «وانگ‌چین» بصورت پزشك خانوادگی ومحرم اسرار «تاك مینگ» درمیآیدکه اززمان تصادف ببعد تشنه یك همراهی ذهنی است . «پی جی» ازدکتر میخواهد به زندگی زناشوئی آن‌ها آرامش لازم را بدهد و اورا ترك‌کند . اما دکترکه خودرا طرد شده می‌بیند به الکل پناه میبرد . «تاك مینگ» نامه‌های عاشقانه دکتررا می‌یابد ، ابتدا ازشدت خشم دیوانه میشود ، اما خشم او به ترحم وعشق به همسرش وبالاخره به تنفر ازناتوانی خود منتهی میشود .

«تاك مینگ» دست بخودکشی میزند . اورا به بیمارستان میبرند واین‌بار نیز تحت نظر دکتر «وانگ‌چین» قرارمیگیرد . «تاك مینگ» ازدکترقول میگیرد که همسرش را ازبارسنگینی‌که بردوش دارد ، رهاکند . دکتر مردد میشود . اما «تاك مینگ» دراین میان جان میسپارد .

یك سال بعد ، «پی جی» دکتر «وانگ‌چین» را برسرقبر «تاك مینگ» ملاقات میکند . دکتر به او پیشنهاد ازدواج میکند و زن هم قبول میکند . اما دکتر درشب عروسی ازروی حماقت‌گفته‌های شوهرش را درشب مرگ برای زن تعریف میکند و «پی جی» وحشت‌زده بسرعت درشب خانه را ترك میکند . درشبی بسیار آرام او ازمردی‌که می‌توانست اورا دوست داشته باشد جداست ، مردی‌که اکنون فهمیده دوست داشتنش امری محال است .



آرژانتین :

دختری بنام ماری

(فیلم بلند – مسابقه)

کارگردان : **دانیل تاینایر**
تهیه‌کننده : **آلبرت تارانتینی**
فیلمنامه : **امیلیو پرینا ، خوزه مارتینز سوآرز ، آگوستو جیوستوزی .**
فیلمبردار : **میکوئل رودریگز**
موزیك : **لوئیز ماریا سرآ**
بازیگـران : **سوزانا گیمنز ، کارلوس مونزون ، ماریا روزآگـالو ، اوبالدو مارتینز ، گابریلا توسکانو .**
۳۵ میلیمتری ــ رنگی ــ ۱۱۰ دقیقه

فیلم بصورت بازگشت بگذشته به زندگی «ماری» ماجرای برجسته یك‌دختر ظاهراً معمولی‌که درخانواده‌ای متعلق به طبقه‌کارگر بدنیا آمده واکنون در سن سی سالگی درجزیره «ماسیل» زندگی میکند ، میپردازد .

محیط مملو ازخرافات بهمراه کشف بعضی حقایق تکان‌دهنده درباره تولدش باعث میشود «ماری» بصورت دختری مضطرب ، درون‌نگر و زودرنج درآید . بدین ترتیب درسن بلوغ معدودی ازپیش‌داوری‌ها درشخصیت او شکل می‌یابد وطرزتفکر بعدی اورا تحت تأثیر قرار میدهد . دومین قسمت داستان درباره دوران بلوغ وجوانی «ماری» است . «ماری» با «کولو» ملاقات میکند وعاشق او میشود . تمام حقایق برای «ماری» قطعی‌است و او انتظار دارد دیگران‌هم قوانین اورا بپذیرند. وقتی «ماری» با «کولو» ازدواج میکند درحقیقت با تمام اعضاء خانواده او ازدواج میکند . وقتی یکی ازافراد خانواده قوانین سخت اخلاقی اورا میشکند «ماری» واکنش شدیدی ازخود نشان میدهد ، وبدین ترتیب داستان به‌سختی به‌سرانجام آن پیش میرود ، چرا کـه «ماری» پرشور ، خودپرست ، سرزنده ، تملك‌طلب ومهمتر ازهمه بی‌ریا وصادق خود سرنوشتش را بدست‌گرفته است . گوئی او نویسنده داستان زندگی خویش است ، ودرحقیقت هم چنین است ، زیراکه سرانجام داستان منحصراً ازاعمال او سرچشمه میگیرد .



سینمای میکلوش یانچو

بازگشت من

(۱۹٦٤)

(فیلم بلند)

فیلمنامه : **گیولاهرنادی، میکلوش یانچو**
اقتباس ازداستانی نوشته : **ایمرواداز**
فیلمبردار : **تاماس سوملو**
موسیقی : **زولتان ژنی ، بلابارتوك**
هنرپیشگان : **آندراس کوزاك ، سوگل نیکونتکو، یانوش‌گورب، تیبورمولنار**

دربهار سال ۱۹٤٥ و زمان شکست قوای آلمان ، پسرجوانی با یك سرباز روس دوست میشود . سرباز زخمی است وبعلت عدم مراقبت اززخمی‌که برداشته ، علیرغم تلاش پسرجوان ، میمیرد . مرگ او یادآور فیلم دیگری‌است از«گریگوری چوخرای» با نام «حماسه یك سرباز» . این فیلم ازنظر برداشتهای طولانی خارجی ووحدت دراماتیکی نقطهٔ عطفی درآثار یانچو محسوب میشود .



بلژیك :

تخریب

(فیلم‌کوتاه – مسابقه)

کارگردان : **فرانسوا کلود**
تهیه‌کننده : **فرانسوا کلود**
فیلمبردار : **گوئه‌فر آندره**
موزیك : **گرامسکی والتر**
بازیگران : **راجر وان‌هول ، آنابل ، ژان اگولون .**
۳۵ میلیمتری ــ رنگی ــ ۱۲ دقیقه

فیلم با یك نمایشگاه هنری آغاز میشود ، شخصیت‌های فیلم تا حد دیوانگی ومرگ فضای آثار نمایشگاه را جان بخشیده وگسترش میدهند ، درانتها دوباره نمایشگاه هنری همچنان بحال خود باقیست .

ایالات متحده امریکا :

قوی‌ترین عدسی

(فیلم‌کوتاه – مسابقه)

کارگردان‌وتهیه‌کننده: **رونالد. بی. کالبی**
فیلمنامه : **رونالد. بی. کالبی**
فیلمبردار : **رونالد. بی. کالبی**
موزیك : **مایکل تساچدین**
۳۵ میلی‌متری ــ رنگی ــ ۱۰ دقیقه

ساعت ۱۱ – برنامه مخصوص (تالار رودکی)



استرالیا :

اتومبیل‌هائی‌که پاریس را بلعیدند

صدوچهل‌وهشت نفر درشهرکوچکی بنام پاریس زندگی می‌کنند وهرکدام ازآنها نوعی قاتل هستند .

دقیقاً این شهرکجاست ؟ چه نوع مردمی آنجا زندگی می‌کنند؟ چه چیزی را پنهان نگهمیدارند؟ چرا اتومبیل برای آنها ارزشمند است؟ نقش این اتومبیل‌ها چیست؟

اما اینها اتومبیل‌هائی هستندکه پاریس را بلعیدند !

سینمای ۵۳

بولتن سومین جشنواره جهانی فستیوال تهران

« شماره ۲ »

زیرنظر : **بهرام ری‌پور**
دبیرشورای نویسندگان : **جمال امید**
مدیرفنی : **درخشنده زعیمی**
دستیار دبیرشورای‌نویسندگان : **جمشید ارمیان**
دبیرقسمت انگلیسی : **راجرکوپر**
طراحی صفحات زیرنظر : **مرتضی ممیز**

چاپخانه وزارت فرهنگ وهنر

تلفن بولتن ۳۱۱۲۴۰

فیلمهای امروز

تالار رودکی (مسابقه)

ساعت : ۱۶
قوی‌ترین عدسی (آمریکا)
دختری بنام ماری
کارگردان : دانیل تینایر (آرژانتین)

ساعت : ۱۹
انهدام (بلژیك)
نگهبان شب
کارگردان : لیلیانا کاوانی (ایتالیا)

تالار رودکی (برنامه مخصوص – ساعت ۱۱ صبح)

زبرا (آمریکا)
اتومبیلهائی‌که پاریس را بلعیدند
کارگردان: پیترویر (استرالیا)

سینما پارامونت (تکرارمسابقه)

ساعت : ۱۱ و ۱۸
بیست روز به زندگی (فرانسه)
۱۹ گل سرخ
کارگردان : ابسن هویلاندکارلسن (دانمارك)

ساعت : ۱۵ و ۲۱
اسکرزو (لهستان)
کالیفرنیا نصف به نصف
کارگردان : رابرت آلتمن (آمریکا)

سینما آتلانتیك (جشنواره جشنواره‌ها)

ساعت : ۱۱ و ۱۸
چهارشنبه (آمریکا)
کمك ، دکتردارد غرق میشود
کارگردان : نیکلا وان‌درهید (هلند)

چهارشنبه (آمریکا)
ساعت : ۱۵ و ۲۱
کارآموزی دادی‌کراویتس
کارگردان : تدکوچف (کانادا)

سینما امپایر (بزرگداشت ویلیام وایلر)

ساعت : ۱۱ و ۱۵ – ۱۸ و ۲۱
جزبل (۱۹۳۸)

سینما سینه موند

سینما درآسیا
ساعت : ۱۱ و ۱۸
عشق من ، گناه من
کارگردان : کانگ‌وی (هنگ‌کنگ)

سینمای میکلوش یانچو
ساعت : ۱۵ و ۲۱
چرخ زمان (۱۹۶۱)
بازگشت من (۱۹٦٤)

سینما پولیدور (سینمای جدید ایران)

ساعت : ۱۱ و ۱۸
آقای هیولا
از : فرشید مثقالی
شقایق سوزان
از : هوشنگ شفتی
گاو
کارگردان : داریوش مهرجوئی

ساعت : ۱۵ و ۲۱
سفر
از : بهرام بیضائی
حسن کچل
کارگردان : علی حاتمی

ROBERT ALTMAN AND COMPANY

by: HEATHER BOWE

Robert Altman, a native of Kansas, U.S.A. is best known for "Mash", his farcical satire on war, released in 1970, which brought him success both financially and professionally.

Altman directed and produced his first feature film "The Delinquents" in 1955 and then followed a career in American television drama. The discipline of working on television series may account for the close ties he keeps with his technical crew. Altman works with the same crew on each of his films. "When things are going badly," Altman has said, "they're like a rock, they stay together and will do anything".

Altman feels that with each film comes an involvement in a new learning experience. The film "McCabe and Mrs. Miller", starring Warren Beatty and Julie Christie, earned Miss Christie an Academy Award nomination for her film portrayal of a madame in a gold-rush mining camp. With his penchant for research, Altman sent one of his team out to find copies of private diaries written by prostitutes and whores of the period. "Research is truth, and after the research has been completed," says Altman, "comes the time to look behind the lines and see what really went on". When working with his actors Altman does not like to suggest too much, but prefers them to develop their own concept of the character from the research material he has provided. In this regard he is like Rossellini who once told Ingrid Bergman "You walk down the street and you meet so and so. So you say to her anything you want. Invent something. Because what I want to come to is this piece of dialogue, but you invent what you want".

Altman has the ability to see very quickly when a scene is "right" and to "print" the shot before it has become stale. He avoids overthinking and overstating an idea. He likes to take advantage of the situation where "Everybody's up. Everybody's high, a natural high. So you are aware of every moment".

"California Split", Altman's newest film, presented in competition last night at Rudaki Hall and again today at the Paramount Cinema, stars Elliot Gould, who also starred as Marlowe in "The Long Goodbye" and as Donald Sutherland's fellow doctor in crime in "Mash".

TODAY'S FILMS

TUESDAY, 26 NOVEMBER

Note: In two-film programmes, the short film is listed first.

RUDAKI HALL (Competition)

4 p.m. **'The Longest Lens'** (U.S.A.) and **'A Girl Called Mary'** (Argentina)

7 p.m. **'La Mise en Abime'** (Belgium) and **'The Night Porter'** (Italy)

RUDAKI HALL (Hors Concours)

11 a.m. **'Zebra'** (U.S.A.) and **'The Cars That Ate Paris'** (Australia)

PARAMOUNT CINEMA (Competition Repeat)

11 a.m. and 6 p.m. **'A 20 Jours de la Vie'** (France) and **'19 Red Roses'** (Denmark)

3 p.m. and 9 p.m. **'Scherzo'** (Poland) and **'California Split'** (U.S.A.)

ATLANTIC CINEMA (Festival of Festivals)

11 a.m. and 6 p.m. **'Help, the Doctor is Drowning'** (Netherlands)

3 p.m. and 9 p.m. **'The Apprenticeship of Duddy Kravitz'** (Canada)

EMPIRE CINEMA (A Tribute to William Wyler)

11 a.m. **'Jezebel'** (1938)

3 p.m.

and 6 p.m.

and 9 p.m.

CINEMONDE CINEMA (The Cinema of Miklós Jancsó)

3 p.m. and 9 p.m. **'The Wheel of Time'** (1961) and **'My Way Home'** (1964)

CINEMONDE CINEMA (Cinema in Asia)

11 a.m. and 6 p.m. **'My Love, My Sin'** (Hong Kong)

POLIDOR CINEMA (Iran's New Film-Makers)

11 a.m. and 6 p.m. **'Mr. Monster'**, **'Flaming Poppies'** and **'The Cow'**

3 p.m. and 9 p.m. **'The Voyage'** and **'Hassan the Bald'**

FILM MARKET

بازار فیلم

TUESDAY, 26th. NOVEMBER

10.30 h.
"PRISONERS OF HATE" (Greece) Hall 1
Distributed by Teomax Inc. (Drama)

14.30 h.
"TANGSIR" (Iran) Hall 1
Distributed by Payam Movies Organization
(Tragedy)

17.00 h.
"THE FLYING GUILLOTINE" (Hong Kong) Hall 1
Produced by Shaw Brothers (Hong Kong) Ltd.
(Karate)

10.30 h.
"THE NIGHT ANGEL" (Brazil) Hall 2
Distributed by Embrafilme (Criminal)

14.30 h.
"THE LORD FROM BARMBECK" Hall 2
(Germany)
Distributed by Exportfilm Bischoff & Co.
(Adventure)

17.00 h.
"LETTER FROM AN ADULT DAUGHTER" Hall 2
(Korea)
Distributed by Motion Picture Promotion Corp.
(Social)

10.30 h.
"THE WEDDING" (Poland) Hall 3
Distributed by Film Polski (Social)

14.30 h.
"FAITH, HOPE AND CHARITY" (Mexico) Hall 3
Distributed by Cinematografica Mexicana Exportadora
(Social)

17.00 h.
"MR. SIMPLETON" (Iran) Hall 3
Distributed by Payam Movies Organization (Tragedy)

سه‌شنبه ۵ آذرماه

ساعت ۱۰½ صبح :

اسیران نفرت	(یونان – درام)	سالن شماره ۱
فرشته شب	(برزیل – جنائی)	« « ۲
عروسی	(لهستان – اجتماعی)	« « ۳
تشریح عشق	(لهستان – عشقی)	« « ٤

ساعت ۲½ بعدازظهر :

تنگسیر	(ایران – تراژدی)	سالن شماره ۱
لرد بارمیك	(آلمان – ماجرائی)	« « ۲
اعتقاد – امید – کمك	(مکزیك – اجتماعی)	« « ۳
اتومبیلهائی که پاریس را بلعیدند	(استرالیا – تراژدی اجتماعی)	« « ٤

ساعت ۵ بعدازظهر :

گیوتین پرنده	(هنگ‌کنگ – کاراته‌ای)	سالن شماره ۱
نامه‌ای ازدختر بزرگ من	(کره – اجتماعی)	« « ۲
آقای هالو	(ایران – تراژدی)	« « ۳
نشا	(روسیه – کمدی)	« « ٤

10.30 h.
"ANATOMY OF LOVE" (Poland) Hall 4
Distributed by Film Polski (Romance)

14.30 h.
"THE CARS THAT ATE PARIS" (Australia) Hall 4
Distributed by Hemdal International Films Ltd.
(Social Tragedy)

17.00 h.
"THE SEEDLINGS" (U.S.S.R.) Hall 4
Distributed by Gruzia Film Production (Comedy)

THE COW

(Gav)
(1968)
Director: **Dariush Mehrju'i**
Producer: **Dariush Mehrju'i**
Screenplay: **Dariush Mehrju'i**
Director of Photography: **Fereidun Qovanlu**
Music: **Hormoz Farhat**
Cast: **Ezzatollah Entezami, Ali Nassirian, Ja'far Vali, Jamshid Mashayekhi**

Shown at the Venice, London, Chicago (International Critics Prize and Best Actor Award) Film Festivals.



The only cow is a source of pride for a small Iranian village and the essence of life for its owner, Mashdi Hassan. The threat to the cow from a hostile neighbouring clan and the cow's strange death destroy Hassan's mind with blinding grief, and he undergoes self-destruction to become the cow he loved. In loosely-veiled symbols, the film digs deep into the soil of primitive life in underdeveloped countries to disclose the relationship of human suffering with a social structure based on poverty, ignorance, superstition, violence and isolation. It sustains a striking documentary flavour and holds a firm and very moving balance between human tragedy and social documentation, presented starkly, economically and dramatically.

HASSAN KACHAL

(Bald Hassan)
(1968
Director: **Ali Hatami**
Producer: **Ali Abbasi** for Payyam Cinema Group
Screenplay: **Ali Hatami**
Director of Photography: **Nosratollah Kani**
Music: **Esfandiyar Monfaredzadeh, Varuzhan, Babak, Atabeki**
Cast: **Parviz Sayyad, Katayun, Hassan Khayyatbashi, Sadeq Bahrami, Sirus Ebrahimzadeh**



Chel Gis, the daughter of a kind ruler, is tempted at the instigation of her step-mother to enter the garden of a magician to pick flowers. There she falls under the spell of a demon. Hassan the Bald, dismissed as a servant by the step-mother, sees Chel Gis in the garden and falls in love with her, but without hope. His "hamzad", (a kind of wraith or double in Persian mythology) offers to help in return for Hassan's life. Hassan considers various devices — to be a poet or warrior, to find a true friend to advise him, but to no avail. Finally he offers to give his life in return for one night of married bliss with Chel Gis. They marry, and the next day Hassan presents himself. But the bargain is nullified as Hassan's life now belongs to Chel Gis. The hamzad disappears and Hassan and Chel Gis live happily ever after.

MORROCO

Mr. Belghiti Driss

NETHERLANDS

Mr. Nikolai van Der Heyde
Mr. Jan Dorresteijn
Miss Willeke Van Ammelrooy
Mr. Ward de Ravet

NEW ZEALAND

Mr. John D. O'Shea

PAKISTAN

Mr. Younes Niazi Malik
Mr. Shaheen Niazi Malik
Mr. Munir Hussain

PHILIPPINES

Mr. Cornelio Lagerwey
Mr. Rodolfo L. Velasco
Four delegates

POLAND

Miss Wieslawa Czapinska Kalenik
Mrs. Alicja Ciezkowska
Mr. Stanislaw Izydorczyk
Mr. Alexander Leduchowski

SPAIN

Mr. Carlos Saura
Miss Geraldine Chaplin
Mrs. Punto Angeles Maso
Mr. Pascual Cebollada
Mr. Jose Antonio Perez Giner
Mr. J.A. Suarez de la Dehesa
Mr. Luis Megino and Mrs.
Mr. Elias Querejeta

SRILANKA

Mr. and Mrs. James Peries

SURINAME (WEST INDIES)

Mr. R. R. Jadnanansing

SWEDEN

Mr. Bertil Ohlsson
Mrs. Gunnel Hessel
Mr. Bengt Forslund and Mrs.
Mr. Vilgot Sjoman and Mrs.

SWITZERLAND

Mr. Ambros Eichenberger
Miss Ursula Rindlisbacher

Miss Anne Wiazemsky
Mr. Christian Defaye-Large and Mrs.
Mr. Yves Gasser
Mr. Philippe Leotard
Miss Olimpia Carlisi

SYRIA

Mr. Tahsin Kawadri

TANZANIA (ZANZIBAR)

Mr. A. S. Talati

TURKEY

Mr. Irfan Unal
Mr. Turkan Inanoglu
Mr. Meftun Olcac
Mr. Osman Tokcan or Mr. A. Kucukyalcin
Miss Turkan Soray
Mr. Ruchan Adli
Mr. Umit Utku
Mr. Turker Inanoglu
Miss Nuran Inanc
Mr. Soyarslan

UNITED KINGDOM

Mr. Patrick Gibbs
Mr. D. Lewin and Mrs.
Mr. Derek Malcolm
Mr. and Mrs. Peter Cowie
Mr. Ian Mitchel
Mr. and Mrs. Michael Relph
Mr. Ian Jessel and Mrs.
Mr. John Boorman and Mrs.
Mr. Peter Sellers and
Miss Christina Wachtmeister
Mr. and Mrs. Yvonne Charpentier
Mr. David Robinson
Miss Georgina Hale
Mr. Robert Powell
Mr. David Putnam
Mr. Nigel Andrews
Mr. Mo Rothman
Mr. Frixos Constantine
Mr. Carlo Ponnampalam
Mr. W.H. Jamieson
Mr. P. Tarachand
Mr. Jeannine Seawell
Mr. and Mrs. Tony Curtis

U.S.A.

Mr. J. Rappoport and Mrs.
Mr. Herb Lightman
Mr. and Mrs. William Wyler
Mr. and Mrs. Elmo Williams
Mr. Hermes Pan
Miss Betty Jeffries Demby
Mr. David Matalon
Mr. Herbert R. Banquer
Mr. James B. Phillips
Miss Inna Ginsburg
Miss Zsa Zsa Gabor
Mr. Michael Braun
Mr. Jack Nicholson
Miss Goldie Hawn and
Mr. Bruno Wintzell
Mr. Hunter Todd
Miss Rikki Knipple
Mr. and Mrs. Warren Cowan
Mr. Arthur Knight and Mrs.
Mrs. Marguerite Schott
Mr. George Hamilton + 1
Mr. Raymond St. Jacques
Miss Ellen Burstyn + Mr. Henry Madden
Mr. Gene Barry
Mr. and Mrs. Stuart Whitman
Mr. and Mrs. Peter Graves
Mr. and Mrs. John Forsythe
Mrs. James Coburn
Miss Ruth Gilbert
Mr. Robert B. Frederick
Mr. Peter Spraque + Mrs
Mr. Fred Haines and Mr. Francis Haines
Mr. John Crowther
Mrs. Carla Romanelli
Mr. and Mrs. Pierre Clementi
Mr. Jack Valenti
Mr. David Wolper
Mr. Roman Polanski
Mr. Lee Faulkner
Miss Anjelica Huston
Mr. Ron Ely
Mr. and Mrs. John Frankenheimer
Mrs. Carolyn Pfeiffer
Mr. Leonard Gruenberg and Mrs.
Mr. and Mrs. Dominique Sanda
Mr. Myron Bresnick and Mrs.
Mr. Kunz
Mr. Zeinalzade
Mr. Harold Robbins and Mrs.
Mr. Claude DuBoc
Mr. Conrad Rooks

U.S.S.R.

Miss Elza Ledjei
Mr. Eldar Chenquelaia
Mrs. Ariadna Chenqualia

YUGOSLAVIA

Mr. Nedljko Dragic
Mr. Borivoj Dovnikovic
Mr. Miroslav Kitic

Mrs. Hassan Youseff
Mr. Dessouki (Film Market)
Mr. Wagdi Kadil
Mr. Youssef Goher
Mr. Fossam Eldin Moustafa
Mr. Helmi Rafla
Mr. Ahmad Abbas Sahel

FIJI ISLANDS

Mr. Damodar

FINLAND

Miss Honkasalo
Mr. Rauni Mollberg
Miss Maritta Viitamaki
Mr. Rinkama
Miss Tuula Soderberg
Mr. Aito Makinen

FRANCE

Mr. Pierre-Henri Deleau
Mr. Haim Eshel and Mrs.
Mrs. L. Fargette
Mrs. Yvette Camp
Mr. Serge Silbermann
Mr. Samuel Lacheze
Mr. Henry Chapier
Mr. Parent
Mr. Sallus
Mr. Rene Thevenet
Mr. Raymond Danon
Miss Marie Dubois
Mr. Jean-Jose Richer
Mr. Claude Sautet
Mr. Barbet Schroeder
Mr. Edmond Tenoúdji
Mr. A. Brisson
Mr. Moskowitz
Mr. Gerard Montassier
Mr. Pierre Billard
Mr. Jean Brunsvig
Mr. J.P. Rassam
Mr. Luc Simon
Mr. Pierre Ajame
Mr. Renaud Matignon
Mr. Vincent Malle
Mr. Jean Lescure and Miss M. Gardez
Mr. Jean-Claude Brialy
Miss Stephane Audran
Mr. Fadel Kassar
Mr. Pierre Girard
Mr. Hubert Astier
Miss Dominique Antoine
Miss Colette Godard
Miss Marthe Keller
Mr. Jean Marthet + 2
Mr. Ducaux Rupp

GERMANY (F.R.)

Dr. Alfred Bauer and Mrs.
Mr. Horst Buchholz
Mr. Manfred Durniok
Miss Uta Gote
Dr. Rudolf Goldschmidt
Mr. Bischoff
Dr. Brigitte Jeremias
Mr. Trebitsch
Miss Barbara Bronnen
Mr. Florian Hopf
General Consul Barthel and Mrs.
Mr. Karsten Peters
Mr. Hans Joachim Boldt
Mr. and Mrs. Paul Krekel
Mr. and Mrs. Waldleitner
Mr. and Mrs. Von Zurmuehlen
Mr. Klaus Hellwig
Mr. Michael Dost

GERMANY (D.R.)

Mr. Herbert Volkmann

GREECE

Miss Irene Calcanis
Mr. Christos Evangelou
Mr. Chris C. Christodoulou
Mr. Theodore Gouroglou
Mr. Max Tsochatzopoulos-Roman
Mr. George Zervoulakos

HONGKONG

Mr. Conway C P Yin
Miss Jenny Wu
Mr. David Ip
Mr. Paul S.C. Chan
Mr. B.J. Williamson
Mr. Andrew G. Vajna
Mr. Harold Shaw
Mr. Run Run Shaw

HUNGARY

Mr. Istvan Dosai
Mr. Pal Sandor
Miss Cecilia Esztergalyos
Mr. Elemer Ragalyi
Mrs. Zsuzsa Toth
Mr. Istvan Szabo
Miss Agi Margitai

INDIA

Mrs. Uma da Cunha
Mr. N. Bhattacharya
Mr. Ramanaidu
Mr. Venkatraman

INDONESIA

Mr. Uttamchandani

IRAN

Mr. Hushang Baharlu

Miss Puri Bana'i
Mr. Bahram Beiza'i

Miss Mitra Emdadi
Mr. Mehrdad Fakhimi

Mr. Manuchehr Farid

Mr. Bahman Farmanara
Mr. Fereidun Goleh
Mr. Ne'mat Haqiqi

Miss Nuri Kasra'i
Miss Fakhri Khorvash
Mr. Abbas Kia Rostami
Mr. Ma'sud Kimia'i
Dr. Esma'il Kushan
Mr. Jamshid Moshayekhi
Miss Parvaneh Ma'sumi

Mr. Mehdi Missaghieh
Mr. Ali Nassirian
Miss Nosrat Partovi
Mr. Faramarz Qaribian
Mr. Qodratollah Rashidian

Mr. Parviz Sayyad
Mr. Kamran Shirdel
Mr. Khosrow Shojazadeh

Mr. Mohammad Taqi Shokra'i

Mr. Malak Sasan Veisi

JAPAN

Mr. Michael Connors
Mr. Koichi Saito
Mr. Hirotada Kobayashi
Mr. Kenzo Kuroda
Mrs. Miyako Kuroda
Mr. Shinji Serada
Mr. Hisashi Fukuzawa
Mr. Soga

JORDAN

Mr. Saud El-Fayyad

KOREA (Rep.)

Mr. Kiin Yoo
Miss Yaejin Rim
Mr. Chunsuk Cho
Miss Jungwha Yang

LEBANON

Mr. Alain Plisson
Dr. Lloyd Miller

NIGERIA

Mr. F. D. Apim

LIST OF OFFICIAL PARTICIPANTS BY COUNTRY



WELCOME

TO THE THIRD TEHRAN INTERNATIONAL FILM FESTIVAL

ARGENTINA

Mr. J. Carlos Gene
Miss Cipe Lincovsky
Mr. Ricardo Wulicher

Mr. Daniel Tinayre
Miss Mirta Legrand(Rosa Martinez de Tinayre)
Mr. Gulliermo Wofchuk
Mr. Carlos Monzon

AUSTRALIA

Miss Carter
Miss Sylvie Leclezio
Mr. Thornhill

AUSTRIA

Mr. Walter Bannert
Miss Ilse Haininger
Mr. Mansur Madavi
Mr. D. Dieter Schrage

BAHRAIN (States of)

Mr. Mohammad-Ali Khazai

BULGARIA

Mr. Zdenka Doycheva
Mrs. J. Mollova
Mr. Angel Borshukov (Film Market)

CANADA

Mrs. Micheline Lanctot
Mr. Ted Kotcheff
Mr. John Kemeny
Mr. Maqbool Jung
Mr. Andre Link
Mrs. Link

CHINA(People's Dem. Rep. of)

Mr. Chu Min-hsin

CZECHOSLOVAKIA

Mrs. Ingmata Koernerova
One representative

DENMARK

Mr. Leif Feilberg
Mr. Esben Hojlund Carlsen
Mr. Ebbe Moerk
Mr. Ebbe Iversen

EGYPT

Miss Nadia Lotfi + 1
Mr. Kamal-El-Malakh
Mr. Ahmed Maher
Mr. Abdel Moneim Saad
Mrs. Faten Hamama
Mr. Saeid Marzouk
Mr. Salah Zoulfikar
Mr. Abdel Moneim Sohby
Mrs. Madiha Kanel
Mr. Mokhtar Elafifi
Mrs. Soheir El Morshdi
Mr. Nour El Sharif
Mrs. Mervat Amin
Mr. Hassan Youssef
Mr. Takavor Antonian

cinema 53
Nov. 26 - 1974 2

THIRD TEHRAN INTERNATIONAL FILM FESTIVAL



La Mary
Daniel Tinayre

دختری بنام ماری
ساخته :
دانیل تینایر



PORTIERE DI NOTTE

نگهبان شب
ساخته : لیلیانا کاوانی